

پستک حرمت مقدسات

صاوق الہام

www.kotab.ir

سرشناسه : الهام، صادق، ۱۳۶۴-
 عنوان و نام پدیدآور : هتک حرمت مقدسات/ صادق الهام
 مشخصات نشر : تهران: دادگستر، ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری : ۱۶۰ ص.
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۲۶-۸۴-۷ : ۲۵۰۰۰ ریال
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 یادداشت : کتابنامه.
 موضوع : کفر
 رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۰ ۱۶۶۵۲/۳/۲۲۲۵ BP
 رده‌بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۴
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۴۴۵۲۸۵

هتک حرمت مقدسات

نگارش: صادق الهام

ناشر: مؤسسه انتشارات دادگستر

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۰

شماره: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۲۶-۸۴-۷

دفتر مرکزی انتشارات: میدان حضرت ولی عصر (عج)، بلوار کشاورز، ابتدای خیابان

فلسطین جنوبی، کوی شهید ذاکری، بن بست سوم، پلاک ۶، تلفن ۸۸۹۰۳۳۶۵

فهرست مطالب

مقدمه	۹
۱- ضرورت تحقیق	۹
۲- پیشینه تحقیق	۱۱
۳- سئوالات تحقیق	۱۶
۴- فرضیه‌ها	۱۷
۵- روش تحقیق	۱۷

فصل اول: کلیات

۱- معنای قاعده	۱۹
۲- تعریف قواعد در اصطلاح	۲۰
۳- تعریف فقه	۲۰
۴- تعریف قواعد فقه و تفاوت آن با عناوین مشابه	۲۱
۴-۱- قاعده فقهی و مسأله اصولی	۲۱
۴-۲- قاعده فقهی و مسأله فقهی	۲۵
۴-۳- قاعده فقهی و ضابطه فقهی	۲۶
۴-۴- قاعده فقهی و نظریه فقهی	۲۶
۵- قواعد فقه سیاسی	۲۷
۶- فرق قواعد فقه سیاسی و قواعد سیاسی فقه	۲۷
۷- تقسیم قواعد فقه	۲۸

- ۸- گستره فواعد فقه ۲۸
- ۹- واژه‌شناسی و اصطلاح‌شناسی ۳۰
- ۹-۱- فرق بین تعظیم شعائر با قاعده هتک مقدسات ۳۰
- ۹-۲- تبیین عنوان محترمت ۳۲
- ۹-۳- اهانت ۴۲
- ۹-۳-۱- تقسیم امور موجب اهانت ۴۲
- ۹-۳-۲- معیار تشخیص اهانت ۴۵
- ۹-۴- ماهیت قبح اهانت ۵۷
- ۹-۴-۱- قبح اهانت ذاتی یا اقتضایی؟ ۵۷
- نتیجه ۵۹

فصل دوم: مبانی فقهی و مصادیق هتک حرمت

بخش اول: مبانی فقهی حرمت هتک مقدسات

- ۱- آیات قرآن کریم ۶۱
- ۱-۱- آیات دال بر تعظیم ۶۱
- ۱-۲- آیه دال بر حرمت هتک مقدسات ۷۵
- ۲- ادله سنت ۷۷
- ۲-۱- روایات دال بر حرمت هتک مقدسات ۷۷
- ۲-۲- روایات تعظیم ۸۱
- ۳- دلیل عقل ۸۳
- ۴- اجماع ۸۴
- ۵- ارتکاز متشرعه ۸۵
- نتیجه ۸۶

بخش دوم: مصادیق نوین اهانت

۸۷	۱- عرصه هنر
۸۸	۱-۱- هنر اسلامی و هنر غربی
۹۴	۱-۱-۱- ادبیات
۹۵	۱-۱-۲- کاریکاتور
۱۰۱	۱-۱-۳- سینما
۱۰۸	۲- علم جدید
۱۱۳	۲-۱- تشریح

فصل سوم: اهانت‌های سازمان یافته و نقش حکومت

بخش اول: نقش حاکم اسلامی در مبارزه با اهانت‌های سازمان یافته با تأکید بر روش امام خمینی (ره)

۱۲۰	۱- وظایف پیشگیرانه
۱۲۴	۲- برخورد با هتاکان

بخش دوم: تزامم هتک مقدسات با مصالح برتر

۱۴۰	نتیجه
۱۴۳	نتیجه‌گیری
۱۴۵	منابع و مأخذ

مقدمه

۱- ضرورت تحقیق

در هر جامعه‌ای اشخاص و نهادها و نمادهایی وجود دارند که احترام به آنها واجب است و اهانت به آنها چالش‌های جدی و برخی موارد خطرناکی ایجاد می‌کند. چه بسا برخی از نزاع‌ها و جنگ‌ها در سطح بین‌المللی ریشه در این موارد داشته باشد. در قرآن مجید «حرمت الله» و «شعائرالله» و «ایام الله» واژه‌هایی که در موارد مختلف به کار رفته و حفظ حرمت و احترام آنها که مورد تأیید و تأکید منابع اسلامی قرار گرفته، تکلیف شده است. این موضوع از یک جهت مشترک بین همه جوامع است و از سویی دیگر در برخی جهات دارای تفاوت‌های اساسی است که در درک مبانی عقلانی این تفاوت‌ها می‌تواند مرز بین اعتقادات اصولی و درست را از خرافه و موهومات مشخص کند. حرمت و احترام پیامبر(ص) قطعاً با حرمت و احترام سلاطین جور متفاوت است و احترام کعبه و نمادهای توحیدی از «بت‌ها» و «اشیاء خرافی» مبتنی بر دیدگاه‌های شرک‌آلود متفاوت است. به نظر می‌رسد که دنیایی که اصل تقدس را از دین و ارزشهای معنوی و الهی زدوده است، بازخوانی و تحقیق مجدد در مبانی قوی و مستحکم این ارزش‌ها ضروری است و مرزبندی بین ارزش‌های اخلاقی و متعالی و امور خرافه‌ای که ناشی از تفکرات

دنیای مادی و منحرف است، ضرورت جدیدی یافته است. خاصاً با پیشرفت وسایل ارتباط جمعی و تغییر شرایط جوامع کنونی از صدر اسلام مصادیق اهانت اشکال گوناگونی به خود گرفته است و بعضاً چه بسا اهانت‌های وسیعی به مقدسات در چهره‌ها و ظاهرهایی غیر از اهانت صورت می‌گیرد که تشخیص این موارد بسیار می‌تواند راه‌گشا باشد و نیز با تغییر شکل جوامع حرمت الهی آیا تغییر کرده‌اند یا ثابت باقیمانده‌اند و یا آیا دایره آنها قابلیت توسعه دارد یا خیر، از مباحث مورد بحث می‌باشد.

لکن براساس اقتضائات روز و تهاجم سازمان‌یافته بلاد کفر در تحقیر و استخفاف مقدسات و نیز گسترش مسایل ارتباطی و ایجاد مشکلات ناشی از آن تشخیص مصادیق محترمت و کیفیت تحقق اهانت بسیار می‌تواند ضروری باشد. اکنون در شرایطی هستیم که برخی از اهانت‌ها در قالب هنر (کاریکاتور) صورت می‌گیرد. بحث در این‌که آیا این اهانت‌ها مصادیقی از اهانت‌های حرام است یا این‌که امروزه به عنوان یک عرف مطرح شده و یک هنر محسوب می‌شود و امثال این مورد که مثلاً توهین‌هایی که در قالب نقد و... صورت می‌گیرد ضرورت بحث کردن از این مطلب را ثابت می‌کند.

۱- اشاعه احکام شرعی و مبانی عقلانی و منطقی آن.

۲- ایجاد انسجام فکری و نظری در مقابل تهاجم فرهنگی غرب

علیه مبانی اعتقادی مسلمین و اسلام‌ستیزی آنان.

۳- تمهید برای تدوین مقررات حقوقی در حفظ هویت اعتقادی جامعه اسلامی.

۴- توسعه و تعمیق ادبیات فقهی در عرصه تولیدات علمی فارسی.

۲- پیشینه تحقیق

مسئله حفظ حرمت مقدسات و عدم اهانت به آنها، از مسائل مهم و قابل توجه دین مبین اسلام بوده، و ائمه اطهار (ع) در کلمات خویش بدان توجه داشته‌اند. به همین دلیل در جوامع حدیثی شیعه ابوابی مجزا مربوط به حفظ حرمت مؤمن و عدم اهانت به آن، یا حفظ حرمت قرآن وجود دارد.^۱

اما موضوع این احکام تماماً به دو عنوان «قرآن» و «مؤمن» محدود می‌شود. نظر به اهمیت این موضوع، فقهای بزرگ اسلامی نیز از همان ابتدا توجه خاصی به آن داشته‌اند که با رجوع به آثار فقهی آنها، می‌توان به این مهم دست یافت. می‌توان از همان قرون نخست شاهد توجه سید مرتضی (رحمة الله علیه) در کتاب شریف انتصار به حکم شریعت بود،^۲

۱. محمد بن حسن حر عاملی، تفصیل الوسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه (قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق) ج ۱، ص ۲۴۹ و ج ۲، ص ۲۶۵؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار علیهم‌السلام (بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق)، ج ۷۲، ص ۱۴۲؛ میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (بیروت: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، چاپ اول، ۱۴۰۸ق) ج ۹، ص ۱۰۱.

۲. الانتصار، ص ۴۸۲.

و بعد از او نیز، ابوصلاح حلبی متوفی ۴۴۷ در بحث حدود، شیخ طوسی متوفی ۴۶۰ در کتاب حدود، ابن براج متوفی ۴۸۱ همگی به این مطلب در استنباط حکم، توجه خاصی داشته‌اند.^۲

و این روند توجه علما را در آثار گرانقدر فقهی آنها نسل به نسل شاهد هستیم.^۳

۱. برای دست یافتن به آراء ایشان مراجعه شود به ابوصلاح تقی‌الدین حلبی، الکافی فی الفقه (اصفهان، چاپ اول، ۱۴۰۳ق) ص ۴۱۵؛ محمد بن حسن طوسی، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی (بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۰ق) ص ۷۲۹؛ جمال‌الدین احمد بن محمد حلبی، المذهب الباریع فی شرح المختصر النافع (قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ق) ج ۲، ص ۵۵۱.
۲. ابن ادریس حلبی، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق) ج ۳، ص ۵۲۹؛ حسن بن یوسف حلبی، تذکره الفقهاء (قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، چاپ اول) ج ۱، ص ۳؛ جعفر بن حسن حلبی، المعتبر فی شرح المختصر (قم: مؤسسه بیت‌الشهدا علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۷ق) ج ۲، ص ۴۵۳؛ حسن بن یوسف حلبی، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه (قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق) ج ۹، ص ۲۸۰؛ علی بن حسین کرکی، جامع المقاصد فی شرح القواعد (قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق) ج ۱، ص ۴۳۰؛ علی بن حسین کرکی، رسائل (قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی و دفتر نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق) ج ۳، ص ۱۰۱؛ زین‌الدین محمد عاملی (شهید الثانی)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (قم: کتابفروشی داورى، چاپ اول، ۱۴۱۰ق) ج ۳، ص ۲۴۳؛ زین‌الدین محمد عاملی (شهید الثانی)، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام (قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۳ق) ج ۳، ص ۱۱۱؛ محقق محمدباقر سبزواری، کفایة الأحکام ج ۲، ص ۶۹۶؛ احمد بن محمد اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان -

با توجه به تمامی این آثار، به این نکته مهم می‌توان رسید که مصادیق اهانت در همه آنها از «قرآن، مسجد، اهل بیت (ع) و مؤمن» تجاوز نمی‌کند، و هتک آنها را اجماعاً «حرام» و منشأ استنباط برای سایر احکام می‌دانند. تنها در کتاب جامع الشتات «خواجه‌نوی» متوفی ۱۱۷۱ است که هنگام شرح این حدیث نبوی (ص) که «اگر دست سومی داشتم آن را در غذا خوردن به کمک می‌طلبیدم» ملاحظه می‌شود یکی از توجیهات ممکن، آن است که حضرت در مقام بیان قبح غذا خوردن با یک دست بوده‌اند سپس خود دلیل چنین قبحی را بیان کرده و می‌گویند: چرا که لازمه غذا خوردن با یک دست، اهانت به سفره و طعام است.^۱ پس به استثنای مورد مذکور تا قرن دوازدهم، محور این حکم محدود به همان موضوعاتی است که به آن اشاره شد. اولین کسی که موضوع را گسترش داده و با یک نگاه جدید به محترمانه، بحث را در کتاب خویش آورده، شیخ جعفر نجفی متوفی

— (قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۳ق) ج ۱، ص ۹۷؛ محمد بن حسن فاضل هندی، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام (قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۶ق) ج ۸، ص ۸؛ یوسف بن احمد بحرانی، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة (قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۵ق) ج ۲، ص ۸۳؛ محمدباقر بهیانی، مصابیح الظلام (قم: مؤسسه المجدد الوحید بهیانی، چاپ اول، ۱۴۴۲ق) ج ۳، ص ۲۴۵ و....

۱. اسماعیل خواجه‌نوی مازندرانی، جامع الشتات (قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۸ق) ص ۱۷۸.

۱۲۲۸ در کتاب شریف کشف الغطاء است. وی محترمات را به سه دسته تقسیم کرده است:

۱- دسته‌ای که هتک آنها موجب کفر است.

۲- دسته‌ای که گرچه موجب کفر نیست ولی عصیان محسوب می‌شود.

۳- صرفاً کراهت دارد (به تفصیلی که خواهد آمد).^۱

به این ترتیب، باید او را اولین کسی دانست که این روند ثابت را برهم می‌زند. بعد از او می‌توان شاهد استفاده بیشتری از این قاعده در کتاب‌های فقهی بود. به طوری که در قرون قبل شاید این حکم صرفاً در کتاب حدود یا طهارت و مکاسب بحث می‌شد. اما به عنوان مثال با مراجعه به کتاب «جواهر» استفاده مکرر از این عنوان در قسمت‌های مختلف کتاب ملاحظه می‌شود.^۲ و تاکنون علما در کتب فقهی در مقام

۱. جعفر کاشف الغطاء نجفی، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الفراء (قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول) ج ۲، ص ۱۴۷.
۲. مراجعه شود به محمدحسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام (بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم) ج ۲، ص ۵۲ و ج ۲، ص ۳۱۷ و ج ۶، ص ۵۶ و ج ۶، ص ۹۸ و ج ۲۰، ص ۵۰ و ج ۲۱، ص ۲۸۷ و ج ۲۲، ص ۳۳۸ و... یا مرتضی انصاری، کتاب الصلاة (قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ الاعظم انصاری، چاپ اول، ۱۴۱۵ق) ج ۲، ص ۲۶۰؛ مرتضی انصاری، کتاب الطهارة (قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ الاعظم انصاری، چاپ اول، ۱۴۱۵ق) ج ۵، ص ۲۲۲؛ مرتضی انصاری، کتاب المكاسب المحرمة و البیع و الخیارات (قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ الاعظم انصاری، چاپ اول، ۱۵۱۵ق) ج ۱، ص ۲۵۵ و ج ۲، ص ۱۶۳ و...

افتاء توجه خاصی به این قاعده دارند. ولی به این قاعده به عنوان یک قاعده مجزا در کتب فقهی مانند بسیاری از قواعد فقهی پرداخته نشده است.

با توجه به نظر محققین، اولین کتابی که به طور مستقل در قواعد فقه نگاشته شد کتاب «نزهة الناظر فی الجمع بین الاشباه النظائر» نوشته یحیی بن سعید حلّی متوفی ۶۸۹ است.^۱ ولی با دقت در این که توجه بیشتر صاحب کتاب، به ابواب عبادات و بعضاً معاملات است و قواعد و احکام مربوط به آنها را آورده است، پس این قاعده در آنجا وجود ندارد.

نخستین کسی که این قاعده را به طور مستقل در کتاب خویش آورده، محمد مکی (شهید اول) متوفی ۷۸۶ در کتاب «القواعد و الفوائد» است، اما به آن دلیل که وی این قاعده را تحت عنوان (یجوز تعظیم المؤمن بما جرت به عادة الزمان) آورده، خلط بین قاعده تعظیم شعائر و حرمت محترّمات به وجود آمده، و در حین بحث نیز بیشتر به سمت قاعده تعظیم سوق پیدا کرده است.

پس از او «فاضل مقداد» (متوفی ۸۲۶) در کتاب «نضد القواعد الفقهیه دقیقاً همان طریق شهید را پیروی کرده، و گویا دقیقاً آنچه را که صاحب قواعد آورده، تکرار نموده است. با این تفاوت که دو قاعده - حرمت کبر - و - حرمت غیبت - را فرع قاعده قرار داده است.

۱. مصطفی محقق داماد، قواعد فقه مدنی (تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ

میرفتاح مراغی (متوفی ۱۲۵۰) اولین کسی است که در کتاب «العناوین الفقهیه» این قاعده را با عنوان حرمة الاهانة با شعائر و رجحان تعظیمها آورده، و به تفاوت بین دو قاعده تعظیم و حرمت اهانت پرداخته است.

پس از او دیگر شاهد ادامه این روند در کتب قواعد فقه نمی‌توان بود. صاحب کتاب عوائد الایام (۱۲۴۵) قاعده اهانت محترمت را به طور جداگانه به بحث نگذارده، ولی در میان بحث شعائر، به حرمت اهانت به محترمت اشاره کرده است.^۶ در بین معاصرین، مرحوم بجنوردی در جلد ۵ از کتاب نفیس «القواعد الفقهیه» به طور مجزی و مفصل به این مسأله پرداخته است. پس از او نیز تا آنجا که امکان دستیابی بود، دیگر علما گرچه در کتاب‌های فقهی خویش این قاعده را مورد توجه قرار داده‌اند، اما بابی را با عنوان آن در کتاب‌های قواعد خود باز نکرده‌اند. تلاش در این رساله پرداختن به این قاعده و مصادیق مستحدث آن است که ان شاء الله گامی در مسیر علم برداشته شود.

۳- سئوالات تحقیق

۱- آیا مصادیق محترمت، حصری هستند و یا به اقتضای زمان و مکان قابل توسعه می‌باشند؟

۲- معنای اهانت و حرمت در واقع و مصادیق آن در دنیای جدید

چیست؟

۳- آیا حکم حرمت و اهانت حکمی ثابت است یا با تغییر شرایط مثل تراحم با مصلحتی بزرگ‌تر قابل تغییر است؟

۴- فرضیه‌ها

- مصادیق ذکر شده در منابع اسلامی در مورد محترمت، حصری بوده و توسعه آن به اقتضای زمان امکان‌پذیر نخواهد بود.
- با توجه به گسترش ابزارهای فرهنگی کشف مصادیق اهانت با مراجعه به منابع اصیل اسلامی ضروری است.
- حکم حرمت اهانت بر محترمت در صورت تراحم با احکام دیگر ممکن است منتفی شود.

۵- روش تحقیق

روش تحقیق کیفی (توصیفی، تحلیلی) است و روش گردآوری اطلاعات، اسنادی کتابخانه‌ای است. در این پژوهش با مراجعه به منابع و مآخذ متقن و مستدل موجود در کتب و مقالات و احتمالاً سخنرانی‌های علمی فقهی اطلاعات لازم گردآوری شده و در یک سیر به هم پیوسته نتیجه مورد نظر ارائه خواهد شد. بهره‌گیری از فناوری‌های فقهی و نظرات شفاهی اساتید و کارشناسان فن در این زمینه راهکاری دیگر در انجام کتاب حاضر است. در این راستا تلاش شده است از نکته نظرانی که ممکن است به دلیل «نو» بودن مانند استفتانات در کتب وجود نداشته است، استفاده شده است.